

Ethical Foundations in the Implementation of Women's Criminal Sentences from the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law

Z. Arbab Sadeghi¹, A. Naghibi Ph.D.^{2*}, S.R. Mousavi Ph.D.²

1. Ph.D. student of Theology, Dept. of Theology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran.

Abstract

Background: In Iranian jurisprudence and law, as there is a relationship between crime and gender, this relationship can also be seen in the implementation of punishment. Therefore, the present research aims to examine the moral foundations of the execution of punishments for women in Iranian laws and to present specific criminal sentences for women in connection with publicity, exile, homosexuality, apostasy, the quality of the execution of the limit, the place of detention of convicts and the delay in punishment in He has paid attention to the special conditions that have been established with regard to ethical principles.

Conclusion: One of the important issues and attention of the international community is respect for the rights of men and women and non-discrimination based on gender. The results of the research indicate that in Iranian law, punishment for women has been tried based on the two principles of looking at women's dignity and observing justice. In order to achieve this goal in the field of criminal law, protections for women's rights in the form of cases such as: exemption from paying dowry in cases of pure wrongdoing, delay in the execution of punishment, criminal protection for women in case of alimony and criminal protection for women in Testimony has taken place. But in relation to women's rights, legal gaps are also observed in Iran's criminal justice system, such as: women's rights regarding the proportionality of the age of criminal responsibility with reality, the absence of necessary legal protections regarding domestic violence against women, and legal gaps in Shape rules.

Keywords: Ethics, criminal laws, Gender, Jurisprudence, law.

***Corresponding Author:** Naghibi A. Department of Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran. Email: da.naghibi@motahari.ac.ir

How to cite: Arab Sadeghi Z, Naghibi A, Mousavi SR. Ethical foundations in the implementation of women's criminal sentences from the perspective of Iranian jurisprudence and law. Ethics in Science and Technology. 2025; 20(1): 33-40.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مبانی اخلاقی در اجرای احکام کیفری زنان از منظر فقه و حقوق ایران

زهره ارباب صادقی^۱، دکتر ابوالقاسم نقیبی^{۲*}، دکتر سید محمد صادق موسوی^۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات، گروه الهیات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹)

چکیده

زمینه: در فقه و حقوق ایران، همانگونه که بین جرم و جنسیت ارتباط وجود دارد، در اجرای مجازات نیز این رابطه دیده میشود. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی اخلاقی ناظر بر اجرای مجازات‌ها برای زنان در قوانین ایران پرداخته و به ارائه احکام کیفری خاص زنان در ارتباط با تشهیر، تبعید، هم‌جنس‌گرایی، ارتداد، کیفیت اجرای حد، محل نگهداری محکومان و تأخیر در مجازات در شرایط خاص که با عنایت به مبانی اخلاقی وضع‌شده‌اند توجه نموده است.

نتیجه‌گیری: یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی، احترام به حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. نتایج پژوهش حاکی از این است که در حقوق ایران سعی شده است اجرای مجازات برای زنان بر پایه دو مبنای نگاه کرامت‌محور به زن و رعایت عدالت صورت گیرد. برای رسیدن به این هدف در حوزه حقوق کیفری، حمایت‌هایی از حقوق زنان در قالب مواردی چون: معافیت از تحمل دیه در جرایم خطای محض، تأخیر در اجرای مجازات، حمایت کیفری از زنان در صورت ترک نفقه و حمایت کیفری از زنان در باب ادای شهادت، صورت گرفته است. اما در رابطه با حقوق زنان خلاء‌های قانونی نیز در نظام عدالت کیفری ایران مشاهده می‌شود مانند: حقوق زنان در باب تناسب سن مسئولیت کیفری با واقعیت، عدم وجود حمایت‌های قانونی لازم در باب خشونت‌های خانگی اعمال‌شونده بر زنان و خلاءهای قانونی در قوانین شکلی.

کلید واژگان: اخلاق، احکام کیفری، جنسیت، فقه، حقوق.

سرآغاز

با مطالعه قوانین فقهی حقوقی، مجازات متفاوت مرد و زن در برخی از جرایم در دو بخش قابل بررسی است: الف) جرایمی که مجازات زنان در آن خفیف‌تر یا همراه با معافیت است (ب) جرایمی که مجازات مردان در آن خفیف‌تر یا همراه با معافیت است در این مقاله به مهمترین این تفاوت‌ها پرداخته می‌شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی مبانی اخلاقی ناظر بر اجرای مجازات‌ها برای زنان در قوانین ایران است و به ارائه احکام کیفری خاص زنان در ارتباط با تشهیر، تبعید، هم‌جنس‌گرایی^۵، ارتداد^۶، کیفیت اجرای حد، محل نگهداری محکومان و تأخیر در مجازات در شرایط خاص که با عنایت به مبانی اخلاقی وضع‌شده‌اند پرداخته است.

کسانی گمان کرده‌اند که عدالت^۱ و انصاف و توجه به شخصیت زن، مستلزم قول به تساوی و تشابه کامل حقوق زنان^۲ و مردان در تمامی زمینه هاست و اگر چنین تشابه کامل وجود نداشته باشد به معنای زیر پا نهادن اخلاق و حصول بی‌عدالتی، بی‌انصافی^۳، ظلم^۴، حق‌کشی و بی‌توجهی به شخصیت و منزلت زن (و احیاناً مرد) است. تردیدی نیست که هدف نهایی قانون، برپایی عدالت است و اگر به برپا داشتن نظم نیز توجه دارد، از باب مقدمه اجرای عدالت است و قانون غیر عادلانه، پوسته بی‌مغزی بیش نیست. اما آیا عدالت، همواره مقتضی تشابه است؟ آیا شخصیت و منزلت زن مثلاً از تساوی دیه زن و مرد استفاده می‌شود؟ آیا می‌توان گفت چون در فقه و حقوق ایران، مواردی از تفاوت مشاهده می‌شود که به عدالت و شخصیت زن توجه نشده است؟

بحث

اخلاق و حقوق کیفری عادلانه

حقوق^۷ و اخلاق^۸ آشکارا با هم ارتباط دارند. آن دو شامل هنجارهایی هستند با محتوای یکسان و ناظر بر منع اضرار به دیگران و اداره منابع محدود؛ یعنی هنجارهایی که ضرر زدن به دیگران را منع و رابطه تملیک و توزیع منابع طبیعی را تنظیم می کنند. این همانندی تنها شامل فهرستی از افعال ممنوعه نمی شود، بلکه ناظر به عوامل دیگری نیز هست؛ مثلاً، شرایط و اوضاع که براساس آن یک «عمل زیانبار» مسئولیت ساز و یا ممکن است موجب تلقی شود. به بیان دیگر، در اوضاع و احوالی که اخلاق، الزام آوری و یا نقض مشروع یک تعهد را تصدیق می کند، قانون نیز بر همان اساس امکان دارد یک تعهد قراردادی را به مرحله اجرا بگذارد و یا از اجرای آن صرف نظر نماید. قواعد حقوقی راجع به مسئولیت تقصیری^۹، از بازتاب و تجلی هنجارهای اخلاقی^{۱۰} ناظر به مجرمانه بودن رفتار فرد غافل است. همین طور هنجارهای اخلاقی درباره روش و توزیع عادلانه، در قوانین مربوط به عملکرد قوه مجریه و دادگاه های قضایی تجلی می یابد. به بیان دقیق تر - در همه این موارد - یا یک چنین بازتابی وجود دارد، یا مقررات حقوقی انتقاد اخلاقی را در صورتی که چنین انعکاسی مطلوب باشد، می پذیرد (۱-۳). اگر چه به موازات تفاوت اندیشه ها، فرهنگ ها و نظامهای سیاسی حاکم، شاهد قرائت های مختلفی هستیم که طرز برداشت و تلقی مقام قانونگذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف در قالب سیاست کیفری نمود پیدا می کند. اما در هر نظامی برای داشتن حقوق کیفری عادلانه می بایست بر اصول اخلاقی مانند مساوات و برابری همه اعضای جامعه، توجه ویژه داشت و نباید مواردی چون جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب و ... در مجازات افراد اثر داشته باشد (۴ و ۵).

نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران برای رعایت عدالت در قانون گذاری کیفری مبانی فقهی و اخلاقی را به عنوان مرجع به کار می بندد. اما سوال اینجاست که در حوزه زنان تا چه حد توانسته عدالت کیفری را رعایت کند. برای پاسخ به این سوال در ادامه به ارائه احکام کیفری خاص زنان در ارتباط با تشهیر، تبعید، همجنس گرایی، ارتداد، کیفیت اجرای حد، محل نگهداری محکومان و تاخیر در مجازات در شرایط خاص که با عنایت به مبانی اخلاقی وضع شده اند پرداخته می شود.

بررسی ابعاد فقهی و اخلاقی احکام کیفری زنان در حقوق ایران

الف) تفاوت اجرا اقسام حد زنا

جایی که زنا موجب قتل هر یک از زن و مرد می شود تفاوتی در احکام این دو جنس مشاهده نمی گردد. کشتن، حد کسی است که با زانی که محارم نسبی او هستند مانند مادر و خواهر زنا می کنند و نیز کافر ذمی که با زن مسلمان زنا می کند و مردی که با اکراه کردن زنی با وی زنا می کند. در این موارد سه گانه احصان شرط نیست (۳).

شهید ثانی درالروضه البهیمة فی شرح اللعنه الدمشقیه آورده است که تازیانه بر قسمت های مختلف بدن زن توزیع میشود اما از سر و صورت و فرج او هم جلو و هم پشت پرهیز میشود. همچنین مرد باید ایستاده و برهنه باشد در حالی که عورت او پوشیده است اما زن نشسته باشد در حالی که بدن او به گونه ای پوشیده باشد که در هنگام تازیانه آشکار نشود.

تفاوت حد رجم زناکار از نظر فقها

هرگاه مرد محصنی با زنی بالغ و عاقل زنا کند باید رجم شود. مراد از احصان تماس مرد بالغ و عاقل با فرج یعنی قبل زنی است که با او ازدواج دائم کرده است به طوری که پس از عقد امکان تماس با او را دارد و هر صبح و شب نزد او می رود و همسرش در اختیار اوست و دخول نیز قطعی می باشد به گونه ای که ختنه گاه یا اندازه آن در قبل زن داخل شود به همین ترتیب زن نیز محصنه می شود. در ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر است: در زنا با محارم نسبی و زنی محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

زناکار بکره از نظر روایات

مورد دیگر در جرم زنا که به فتوای مشهور به زن زناکار در مقایسه با مرد زناکار از تخفیف و ارفاق برخوردار شده است. مربوط به زنا ی مردی است که ازدواج نکرده و زنی که باکره است. «عباده بن صامت» از حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند: زنا ی بکر با بکر صد ضربه شلاق و یکسال تبعید (۴) و در روایت دیگر «عبدالرحمن» از «ابن عبدا...» آورده است که به مقتضای نص، ثبوت آن هم برای مرد و هم برای زن است ولی با این حال قول مشهور این است که زن تبعید نمی شود. گروهی از فقهای شیعه معتقدند، در مورد زن تراشیدن سر و تبعید کردن وجود ندارد، بلکه زن آزاد غیرمحصن، اگرچه ازدواج کرده باشد در صورتی که زنا دهد تنها تازیانه می خورد. «صاحب جواهر» بعد از بیان این نکته می گوید مخالفتی در این مسئله ندیده ام. اشاره به نظر «کشف اللثام» در مورد اتفاق فقها و تراشیدن سر زن می کند و اجماعی که درباره ی تبعید زن در «خلاف و مبسوط» بیان شده است را نقل نموده است (۵).

حد زناکار بکره در قانون مجازات

به موجب ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مواردی زنا ی به علف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهر المثل نیز محکوم می شود در غیر این صورت فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می گردد. ماده ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بیان میکند که هر گاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نمایند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شود. حکم این ماده در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جاری است. در مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ چگونگی اجرای جلد این گونه ذکر گردیده است:

ماده ۱۱۱ - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود.

ماده ۱۱۲ - حد را نمی‌شود در سرزمین دشمن اسلام جاری کرد.

ماده ۱۱۵ - حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی که پوشاکی جز ستر عورت نداشته باشد اجرا گردد و به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت تازیانه زده شود ولی زن را در حالی که نشسته و لباس- هایش به بدن او بسته باشد تازیانه می‌زنند.

در ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی جدید «حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد صد ضربه شلاق است». همچنین مجازات مردی که همسر دائم دارد هرگاه قبل از دخول مرتکب زنا شود، حد وی به موجب ماده ۲۲۸ قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، صد ضربه شلاق و تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری خواهد بود. منظور از تراشیدن سر، تراشیدن تمام موی سر زانی است و تراشیدن جلوی سر کفایت نمی‌کند ولی تراشیدن ریش و ابروی او جایز نیست. همچنین مقصود از تبعید نفی بلد از شهر است که حکم جلد در مورد او اجرا شده است و تعیین محل تبعید با دادگاه رسیدگی کننده به جرم است. اگر در شهری غیر از موطن اصلی خود مرتکب زنا شده باشد تبعید موطن او جایز نیست و باید حتماً به شهری تبعید شود که غیر از موطن و زادگاه او باشد (۶).

تفاوت مجازات زنا و همسر در زن و مرد

بر اساس فقه اسلامی^{۱۱} و حقوق ایران، یکی از مستثنیات قصاص قتل در فرارش است، با این توضیح که اگر مردی مشاهده کند مرد بیگانه‌ای با همسر او در حال زنا است، میتواند هر دو را بکشد و اگر بتواند زنا را اثبات کند، هیچ مجازاتی متوجه او نخواهد بود. در حالی که اگر زن در شرایط مشابه قرار گیرد، چنین اجازه‌ای ندارد و در صورت قتل، مجازات باید از طریق دادگاه صالح تعیین و اجرا شود.

مطابق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه فردی در مقام دفاع از جان، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع، با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که مطابق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

(الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد

(ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد

(پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد

(ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

بنابراین وقتی شوهر بدون حکم قاضی مرد زانی را میکشد، در واقع دفاع مشروع کرده است و مستحق مجازات نیست؛ اما زن این حق را ندارد؛ چرا که عمل او تحت عنوان دفاع مشروع، از جمله دفاع از ناموس نمیگنجد و ممکن است رابطه شوهر با آن زن، نامشروع نباشد و تحت عنوانی مانند ازدواج موقت قرار گیرد.

(ب) تفاوت اجرا حد قوادی در زن و مرد

حد در قیادت عبارت است از ۷۵ تازیانه اعم از آن که فاعل آزاد بوده یا عبد باشد، مسلمان بوده یا کافر باشد، مرد بوده یا زن باشد. ولی برخی از فقها فرموده‌اند غیر از ۷۵ تازیانه، سر او را باید تراشید و در شهر گردانید و سپس در همان مرتبه اول از آن بلد تبعیدش نمود. همه فقها معتقدند که مجازات قوادی ۷۵ تازیانه است و از این جهت فرقی بین زن و مرد مسلمان یا کافر وجود ندارد و دلیل ثبوت کیفر مذکور برخی از فقها اجماع است.

ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در این خصوص نسبت به مرد شدیدتر از زن برخورد می‌کند و کیفر حد برای مرد قواد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یک سال پیش‌بینی شده است. ولی در ماده ۲۴۳ قانون مجازات جدید تبعید از سه ماه به یک سال تغییر یافته است.

در تبصره ی اول ماده، شرطی برای اجرای حد قوادی گذاشته شده است. بدین معنی که قواد در صورتی به مجازات حد قواد محکوم می‌شود که عمل او در جمع نمودن طرفین برای ارتکاب عمل منافی عفت، به نتیجه برسد و عمل زنا و یا لواط شکل بگیرد. یعنی اجرای حد متوقف بر رسیدن به نتیجه خواهد بود. البته از آنجایی که قواد اقدام به انجام عمل حرامی نموده است، حتی در صورت عدم حصول نتیجه به هر دلیل، باز هم مستحق مجازات خواهد بود البته در این مورد، دیگر مجازات حدی برای وی قابل اجرا نخواهد بود ولی مقنن، برای این عمل حرام وی که به نتیجه هم نرسیده است، مجازات تعزیری در نظر گرفته است که میزان آن ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و همچنین حبس تعزیری درجه شش خواهد بود. حد قوادی برای مرد ۷۵ ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط ۷۵ ضربه شلاق است. در این ماده، مجازات قوادى ذکر شده است. و میزان آن در مرتبه ی اول ۷۵ ضربه شلاق برای مرد و زن قواد ذکر شده است و در مرتبه ی دوم برای مرد، علاوه بر شلاق، تبعید به میزان یک سال عنوان شده است.

حد قوادى از نظر روايات

قیادت از آن دسته جرائم می‌باشد که یافتن مستند شرعی و فقهی در مورد آن کار آسانی نیست. چرا که تنها مستند شرعی برای مجازات قوادى حدیثی است که عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده است (۷). «عبد... سنان» می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم بفرماید حد واسط زنا چیست و فرمود: حد بر او نیست آیا اجرت نمی‌گیرد واسطه‌گری کند، عرض کردم: فدایت شوم به میان دو تن را به حرامی جمع می‌کند. فرمود: کسی میان دو تن را به حرامی جمع کند سه چهارم حد زانی که ۷۵ ضربه تازیانه باشد حد می‌خورد و از شهری که در آن زندگی می‌کند تبعید می‌شود. طبق این روایت، مجازات قواد، سه

دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات قطع کنید، و خداوند توانا و حکیم است. با تدقیق در آیات و نظر فقها شیعه درمی یابیم که میان اجرای حد سرقت میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.

ت) تفاوت اجرا حد ارتداد در زن و مرد

مرتد دو گونه است و هریک احکام ویژه خود را دارد. مرتد فطری کسی است که مسلمان به دنیا آمده است. یعنی پدر و مادرش یا یکی از آنها مسلمان اند. سپس از اسلام خارج شده است. مرتد ملی به کسی می‌گویند که ابتدا غیرمسلمان بوده، اسلام آورده و سپس از اسلام برگشته است (۸).

اگر فردی مصداق مرتد ملی قرار گرفت احکامی به شرح زیر در او اثبات می‌شود.

اول: به او پیشنهاد توبه می‌شود که در صورت پذیرفتن توبه‌ی او در ظاهر قبول می‌شود و جمیع مجازات‌ها از او برداشته می‌شود ولی در صورت رد توبه کشته می‌شود.

دوم: عقد بین او و همسرش فسخ می‌گردد و زن از روز ارتداد عده‌ی طلاق می‌گیرد. چنانچه مرتد قبل از انقضای عده توبه کند نسبت به آن زن به دیگران اولویت دارد و در صورتی که بعد از عده توبه کند با دیگران مساوی است.

سوم: از تصرف در اموالش منع می‌شود ولی اموالش از مالکیت او خارج نمی‌گردد.

حکم مرتد فطری قتل است اما مرتد ملی باید توبه داده شود اگر توبه نماید مجازاتی دارد و اگر توبه نکرد کشته می‌شود. مرتد ملی اگر مرد باشد توبه داده می‌شود پس اگر خودداری کرد به قتل می‌رسد اما توبه او مدت دارد.

مستند مجازات زن مرتده احادیث فراوانی است. حضرت جعفر صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش علی (علیه السلام) فرموده است: چون زن مسلمان از اسلام برگردد کشته نمی‌شود لیکن محبوس دائم می‌گردد (۹).

ث) تفاوت اجرای حد همجنس بازی در زن و مرد

همجنس گرایی، چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه)، از بدترین انحرافات اخلاقی^{۱۴} است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه می‌شود؛ این عمل در حقیقت، انحراف از طبیعت سالم انسانی است (۱۰). در قوانین اسلامی نه تنها این عمل منافی عفت تحریم شده، بلکه برای عامل آن نیز مجازات شدیدی در نظر گرفته شده که گاه به سر حد اعدام می‌رسد (۱۱). اما چنانکه مشاهده می‌شود جنسیت در تائین مجازات این جرم نیز تأثیرگذار بوده و مجازات همجنس بازی مردان اعدام دانسته شده است. در حالی که سقف مجازات همجنس بازی زنان صد ضربه تازیانه است (۱۲). قانون مجازات اسلامی ایران نیز در مواد ۲۳۳-۲۳۷ ضمن شرح و توضیح اصل

چهارم مجازات زناکار غیر محصن یعنی هفتاد و پنج ضربه شلاق و همچنین تبعید، ذکر شده است.

ح) حد قوادی از دیدگاه فقها

اگر چنانچه قواد زن باشد تنها به ۷۵ ضربه تازیانه محکوم می‌شود و از بقیه مجازات‌ها یعنی تراشیدن موی سر، شناساندن در شهر و تبعید معاف است. تبعید و گرداندن در شهر و تراشیدن سر برای زنانی که مرتکب قوادی می‌شوند نیست و برای زنان فقط ۷۵ ضربه تازیانه است و خلافی در این باره نیست و از سوی برخی فقها دعوی اجماع شده است. این دسته از فقها قواد علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به تبعید و تراشیدن سر و تشهیر محکوم می‌شود که این مجازات مختص مردان است. به دلیل این که تبعید منافی با عفت زن بوده و ممکن است زن در غربت بیشتر در معرض فساد قرار گیرد و علاوه بر آن فرستادن زن بدون محرم به تبعید طبق روایات پیامبر اکرم (ص) جایز نیست و اگر محرمی را هم با او بفرستیم بی گناهی را مجازات کرده‌ایم. ولی با توجه به ضعف روایات استنادی در مورد تبعید قواد و تراشیدن سر و تشهیر قواد قولی که مجازات قواد را اعم از این که زن باشد یا مرد منحصرأ ۷۵ ضربه شلاق می‌داند.

ح) حد قوادی از نظر قانون مجازات اسلامی

ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات قوادی را برای مرد شدیدتر از زن قرار داده و علاوه بر شلاق، تبعید^{۱۵} سه ماه تا یک سال را نیز در نظر گرفته است. این تفاوت از منظر توجه به مفهوم جرم و در راستای ماهیت مجازات اضافی می‌توان بررسی نمود.

مقتن جمهوری اسلامی تبعید و گرداندن در شهر را به عنوان کیفر برای زنی که مرتکب قوادی شده در نظر نگرفته است البته این امر را باید با توجه به مقتضیات زمان و مکان و وضعیت حاکم در زمانه دید و اینکه با توجه به مقتضیات زمانه این امر را می‌توان توجیه کرد و می‌گوید: حد قوادی زن فقط ۷۵ تازیانه است (ماده ۲۴۳ ق.م.ا) به همین جهت مجازات مرد قواد بیشتر از زن قواد است تا با دور کردن وی از محل زندگی، آمار این جرم کاهش یابد.

پ) تفاوت اجرای حد سرقت در مرد و زن

حکم سرقت^{۱۶} که قطع دست است در مورد فرد بالغ و عاقل مختار می‌باشد که پس از هتک حرز، از همان جا دزدی کرده است بدون آنکه شبهه ملکیت وجود داشته باشد. به شرط حداقل چهار دینار بوده یا معادل آن ارزش داشته باشد و پنهانی صورت پذیرد بدون آنکه مالک، متوجه گردد و نیز مال دزدیده شده متعلق به فرزند سارق نباشد و جزء خوردنی‌ها در سال قحطی نباشد. پدری که مال فرزندش را هر قدر پایین رود سرقت کند دستش قطع نمی‌شود؛ اما اگر به عکس باشد یا مادری مال فرزندش را سرقت نماید حد قطع جاری می‌گردد؛ زیرا آیه قرآن عمومیت دارد و تنها پدر از تحت عموم آن خارج شده است. به آیه ۳۸ سوره مائده «آیه سرقت»، و یا «آیه حد سرقت» می‌گویند: «والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله و الله عزيز حكيم»؛

عمل مجرمانه، شرایط تحقق آن را اعلام میکند. طبق این مواد، حد لواط برای فاعل در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت وجود یا عدم احصان اعدام است. مواد ۲۳۹-۲۴۰ نیز ابتدا جرم مساحقه را شرح داده، سپس میزان مجازات آن، یعنی صد ضربه شلاق، را تعیین و در ادامه تصریح میکند که در این حکم فرقی بین فاعل و مفعول، مسلمان و غیرمسلمان، محسن و غیرمحسن، و علف و غیرعلف نیست. چنانکه گذشت، جنسیت بر تعیین مجازات جرم همجنس بازی تأثیر گذاشته و در مواردی برای مردان مجازات قتل و برای زنان فقط صد تازیانه پیش بینی شده است، که در واقع مجازات آن در حد مجازات تفخیذ (حد خفیف لواط) در مردان است.

ج) تفاوت اجرای حد قذف در مرد وزن

متهم کردن مرد یا زن پاکدامن به زنا یا لواط عملی ناپسند است و قذف نامیده میشود. این عنوانها در نسبت دادن زنا یا لواط محقق میشود؛ اما اگر زنی را به مساحقه متهم کنند، حد قذف بر او جاری نمیشود، بلکه از سوی حاکم شرع تعزیر میشود (۱۳). اگر کسی مرتکب جرم قذف شود و نتواند آن را ثابت کند، از سوی حاکم شرع به ۳۱ ضربه تازیانه محکوم میشود (۱۳). قذف با توجه به بزه دیده دارای سه قسم است: قذف افراد خارج از بستگان، قذف همسر و قذف فرزندان. در مجازات قسم اول میان زن و مرد تفاوتی دیده نمی شود؛ اما در مجازات قسم دوم و سوم شاهد تفاوت هستیم.

تهمت به افراد

در آموزه های دینی اسلام، برای مجازات تهمت^{۱۵} به افراد حد قذف تعیین شده است؛ چراکه مقرر شده ناموس مردم، ملعبه دست افراد هوسران قرار نگیرد. این مجازات سخت، یعنی تازیانه خوردن، برای مصون ماندن آبرو و نوامیس مردم پیش بینی شده است (۱۴). قذف یعنی به زنی علف و پاکدامن نسبت زنا داده شود. اگر فرد برای اثبات ادعای خود مبنی بر تحقق عمل زنا، چهار شاهد عادل بیاورد، زن به مجازات تازیانه یا سنگسار محکوم میشود و اگر نتواند چهار شاهد عادل اقامه کند، خود او به جرم بزه قذف به هشتاد تازیانه محکوم میشود و دیگر شهادتش در هیچ دعوایی مقبول نمیافتد. در این مجازات زن و مرد باهم مساوی هستند و تفاوتی ندارد.

تهمت به همسر

یکی از مصادیق تأثیر جنسیت در مجازات، قذف به همسر (لعان) است. لعان دامن گیر مردانی است که به همسر خود نسبت ناروا میدهند، در حالی که چهار شاهد ندارند؛ از این رو طبق تشریفات انجام لعان (۱۲)، در حضور قاضی به راستگویی خود سوگند یاد کرده و در فرض دروغگویی لعنت خدا را بر خود خریدار شوند. اگر زن در مقابل شهادتهای همسر سکوت کند، جرم زنا برای او ثابت و به مجازات سنگسار محکوم میشود و اگر بخواهد از مجازات رجم تبرئه شود، الزم است او نیز مطابق تشریفات ادعای همسر را تکذیب کرده که در این

صورت لعان تحقق مییابد و آثار بر آن مترتب میشود (۱۵). نکته دیگر اینکه در فرض نکول از لعان پس از انجام کامل تشریفات لعان، شرایط یکسانی برای زن و مرد محقق نمیشود. هرچند فراش بعد از نکول به هیچکدام از زن و مرد برنمیگردد، بعد از نکول مرد، حد قذف را بر او جاری میکنند، اما بعد از نکول زن، حد زنا بر او ثابت نمیشود؛ چرا که تکذیب او فقط یک اقرار محسوب می شود و سبب تحقق چهار اقرار نیست.

تهمت پدر به فرزند

یکی دیگر از مصادیق تأثیر جنسیت در مجازات تعیین مجازات قذف است. در قوانین جزایی ایران و اسلام آمده است که اگر پدر یا جد پدری فرزند یا نوه خود را قذف کند، یعنی آنان را به زنا یا لواط متهم کند، بر او حد جاری نمیشود، بلکه فقط از سوی حاکم شرع تعزیر میشود، در حالی که اگر مادر مرتکب این عمل شود، به مجازات حد قذف محکوم میشود. (۱۲)

نصوص، اصل و اجماع فقها حاکی از آن است که در قوانین فقهی اسلام هیچ عقوبتی، از قبیل قتل و حد، به خاطر فرزند بر پدر ثابت نشده است و حتی مواردی که پدر تعزیر میشود، به جهت ارتکاب فعل حرام است، نه حق فرزند (۱۶). قانون مجازات ایران نیز تنها به مجازات تعزیری اشاره کرده است؛ چنانکه در ماده ۲۵۹ آمده: «پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کرده، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم میگردد.»

د) تفاوت قصاص قتل فرزند در زن ومرد

بر اساس فتوای اجماعی فقها، پدر بودن یکی از موانع قصاص است، در حالی که مادر بودن مانع قصاص دانسته نشده است. از این رو با اینکه مادر یکی از اولیای دم به حساب می آید، اگر فرزند خود را به عمد به قتل برساند و پدر یا یکی دیگر از اولیای دم درخواست قصاص کند، مادر قصاص میشود. این حکم متفاوت برای پدر و مادر مرتکب قتل، تنها در قصاص است؛ بنابراین دیه و کفاره از پدری که قتل کرده، ساقط نمی شوند و او باید دیه فرزند را به دیگر ورثه میت بپردازد. همچنین حاکم شرع او را تعزیر میکند

برخی سعی کرده اند چرایی این حکم را تبیین کرده؛ از این رو درباره علت قصاص نشدن پدر بابت قتل عمدی پسر آورده اند که چون پدر سبب به وجود آمدن فرزند است، یعنی نطفه فرزند از صلب پدر است، پس واسطه وجود اکنون واسطه عدم شده و قصاص لازم نیست. البته این دلیل کامل نیست و خود قائلان آن نیز آن را چنین نقد کرده اند که در این صورت لازم می آید مادر نیز که در به وجود آمدن فرزند دخالت دارد، استثنا شود در حالی که در لسان ادله، مادر استثنا نشده است. (۱۵) ممکن است گفته شود که شریعت اسلام برای پدر احترام بسیار بالایی قائل شده و حق ولایت فرزند را به او داده است؛ اما برای مادر، با اینکه دارای احترام وافری است، چنین ولایتی جعل نشده است. نکته قابل تأمل آنکه اصل اولی در اتهام قتل تساوی است، یعنی اگر کسی شخص

۵. زنان به لحاظ وضعیت خاص جسمی خود دارای تفاوت‌های اساسی با مردان‌اند. وجود همین ویژگی‌ها، ایجاب می‌کند که از نظر اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری در بخش اجرا احکام، تفاوت‌هایی میان آنان و مردان وجود داشته باشد. این تفاوت‌ها ریشه در عارض شدن حالت‌هایی خاص بر زنان است که با از میان رفتن آن‌ها این تفاوت‌ها نیز مرتفع می‌گردد.

۶. در مرحله اجرای احکام، قانونگذار ایرانی با توجه به دو معیار ملاحظات شرعی و دینی و وضعیت جسمانی و زیست‌شناختی زنان یاد و مقام حمایت از زنان و اطفال آنها، اجرای پاره‌ای از احکام کیفری و مجازات‌ها را با محدودیت‌های چندی مواجه ساخته است.

۷. در اجرای کیفر در فتاوی فقہی و حقوق میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد در بعضی از موارد مثل قوادی و مساحقه و حد زنا و حد رجم این تفاوت دائمی است و در بعضی از موارد مثل حکم شلاق یا اجرای قصاص نفس در زمان حاملگی یا شیر دهی و یا در زمان قاعدگی مقطعی است که تخفیف نسبت به زنان صورت گرفته شده است و در بعضی موارد مثل قذف یا قتل فرزند برای مردان تخفیف اعمال گردیده است و در بعضی دیگر مثل سرقت حدی هیچ تفاوتی در اجرای کیفر میان زن و مرد دیده نمی‌شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1- Justice	عدالت
2- Women right	حقوق زنان
3- Unfair	بی انصافی
4- Oppression	ظلم
5- Homosexuality	هم جنس گرایی
6- Apostasy	ارتداد
7- Law	حقوق
8- Ethics	اخلاق
9- Fault liability	مسئولیت تقصیری
10- Ethical norms	هنجارهای اخلاقی
11- Islamic jurisprudence	فقه اسلامی
12- Exile	تبعید
13- Theft	سرقت
14- Moral deviations	انحرافات اخلاقی
15- Slander	تهمت

References

1. Khodamoradi R, Ghoorchi Beigi M. Relationship between ethics and fundamental rights of individuals in the Iranian penal system. Ethics in Science and

دیگری را عمدتاً به قتل برساند، اولیای دم می‌توانند قصاص کنند. پدر از این حکم استثنا شده است ولی در مورد مادر چون دلیلی بر این استثنا وجود ندارد، به اصل اولی عمل می‌کنیم. به عبارت دیگر، خروج از عموم ادله قصاص نیازمند دلیل قطعی است و فقط خروج فرضی که پدر قاتل فرزند خود باشد، یقینی است

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاکی از این است که در حقوق ایران سعی شده است اجرای مجازات برای زنان بر پایه دو مبنای نگاه کرامت محور به زن و رعایت عدالت صورت گیرد. برای رسیدن به این هدف در حوزه حقوق کیفری، حمایت‌هایی از حقوق زنان در قالب مواردی چون: معافیت از تحمل دیه در جرایم خطای محض، تأخیر در اجرای مجازات، حمایت کیفری از زنان در صورت ترک نفقه و حمایت کیفری از زنان در باب ادای شهادت. البته در رابطه با حقوق زنان خلاءهای قانونی نیز در نظام عدالت کیفری ایران مشاهده می‌شود مانند: حقوق زنان در باب تناسب سن مسئولیت کیفری با واقعیت، عدم وجود حمایت‌های قانونی لازم در باب خشونت‌های خانگی اعمال شونده بر زنان و خلاءهای قانونی در قوانین شکلی که می‌توان با قانون گذاری مناسب اصلاح شود.

از مهم ترین نتایج این تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در نظام حقوقی اسلام، عمده موارد تفاوت در مجازات زن و مرد، ناشی از تفاوت در خلقت طبیعی آنها است و اتفاقاً اگر این تفاوت‌ها نباشد یا نوعی تبعیض روی می‌دهد یا سایر اهداف یا اصول حاکم بر مجازات‌ها تامین نمی‌شود. لذا تا آن جا که تفاوت‌ها به منشأ اختلاف طبیعی برگردد، امری منطقی و قابل دفاع است.
۲. شارع در تقنین خود با ملاحظه تفاوت‌های طبیعی زنان از مردان، علاوه بر احکام عبادی در مقررات جزایی نیز در برخی موارد سیاست افتراقی را اختیار کرده است چنانکه برای ارتداد مردان حکم اعدام و ارتداد زنان را مستوجب حبس ابد دانسته است.
۳. معنای اصل تساوی در برابر قانون این است که درخصوص اعمال قانون نسبت به افراد مشمول قانون نباید تبعیض باشد؛ مثلاً وقتی که قرار شد مردان در لواط اعدام شوند میان مردان تساوی باشد و اصل تساوی در برخورداری از حقوق تعبیر مصطلح‌تری است.
۴. در زمینه حقوق زنان نباید اجازه داد احساسات جای واقعیات خلقتی را بگیرد حتی خود زنان نیز به تعبیر قرآن کریم نباید آرزوی تغییر این احکام را داشته باشند. آن چه تحت عنوان طرفداری از حقوق زنان به دنبال حذف این تفاوت‌ها است، لزوماً به معنای دادن یک امتیاز به زنان نیست.

Technology 2021; 16 (3) :9-13. Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.3.2.9](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.3.2.9)

2. Soleimani Poorlak M, Kalantari K, Nasiri Larimi R. Necessity of criminal protection of intellectual property rights with a view to its moral basis. Ethics in Science and

- Technology 2023; 17 (4): 45-51. Dor: [20.1001.1.22517634.1401.17.4.7.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.4.7.3)
3. Khalili R, Esmaeili M, Hajitabar H. Ethics in criminal law: respect for the freedom of individuals and the study of reason in Imami Jurisprudence and Iranian Criminal Law. *Ethics in Science and Technology* 2022; 16 (4): 14-20. Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.4.3.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.4.3.2)
4. Rafiee A. Investigating criminal responsibility of international organizations in the international law system. *Int. J. Ethics Soc* 2021; 3 (1): 9-14. Doi: [10.52547/ijethics.3.1.9](https://doi.org/10.52547/ijethics.3.1.9)
5. Madih A, Rahmat M R, Arzhang A. Favorable Social and Moral Consequences of Organized Crime Management in Society. *Int. J. Ethics Soc* 2023; 5 (2): 9-17. Doi: [10.22034/ijethics.5.2.13](https://doi.org/10.22034/ijethics.5.2.13)
6. Ameli Z. *Al-Rawdah Al-Bahiyya fi Sharh Al-Lam'ah Al-Dimashqiyyah*, Beirut. Arab Revival Center. 1403. (In Arabic).
7. Kolini M. *Al-Kafi*. 1st ed. Tehran: Dar Al-Kotob Islamic. 1986. (In Arabic).
8. Zeraat A. *Description of the Islamic penal code*. 2nd ed. Tehran: Ghoghnoos Publication. 2008. (In Persian).
9. Akhoondi M. *Code of criminal procedure*. 4th ed. Iran/Qom: Eshragh Publication. 2000. (In Persian).
10. Horr Al-Ameli M. *Shiite methods for resolving issues of legitimacy*. 3rd ed. Beirut: Dar Al-Ahya Arab Heritage. 1403. (In Arabic).
11. Helli J. *The laws of Islam regarding matters of halal and haram*. 1st ed. Beirut: Dar-Alazvah. 1403. (In Arabic).
12. Hamidi F. *Women right: human right*. 1st ed. Tehran: Roshangaran Publication. 2003. (In Persian).
13. Makarem Shirazi N. *Nemoone description*. 1st ed. Terhan: Dar-alkotob Islamic. 1995. (In Arabic).
14. Khoei SA. *Buildings to complete the curriculum*. 2nd ed. Najaf: Al-Adab Press. 2016. (In Arabic).
15. Moosavi Khoemeini SR. *Tahrir Alvasile*. 2nd ed. Iran/Tehran: Maktab Al-etemad. 1986. (In Persian).
16. Mohamadian A. Analysis and criticism of jurisprudential bases of the article 249 of the Islamic penal code. *Journal of Criminal Law Research*, 2017; 5(17): 67-89. doi: <https://doi.org/10.22054/jclr.2017.7120>
17. Gharshi A. *Interpretation of the best hadith*. 2nd ed. Iran/Tehran: Besat Foundation. 1998. (In Persian).
18. Toosi A. *Insight into the different news*. 1st ed. Tehran: Dar-alkotob Islamic. 2011. (In Arabic).
19. Ameli Z. *Asking for understanding to revise the laws of Islam*. 1st ed. Iran/Qom: Islamic Knowledge Foundation. 1413. (In Arabic).